

## تاثیر آزادسازی تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی در کشورهای عضو سازمان

### جهانی تجارت

محمد راستی\*

#### چکیده

مقاله حاضر به بررسی تاثیر آزادسازی تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت (WTO) در دوره زمانی ۱۹۸۵-۲۰۰۶ می‌پردازد. بر اساس الگوهای اقتصاد سنجی پانل دیتای پویا و با استفاده از روش تخمین زن گشتاور تعمیم یافته (GMM)، یافته‌ها دلالت بر تاثیر منفی آزادسازی و توسعه تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی کشورهای مزبور دارد. از این رو در کشورهای عضو این سازمان سیاست آزادسازی و توسعه تجارت خدمات مالی به منظور افزایش کارایی و توانایی رقابت‌پذیری این بخش مهم اقتصادی توصیه نمی‌گردد و آنها بهتر است تا قبل از اعمال سیاست‌های آزادسازی تجاری این بخش و از جمله الحاق کامل به سازمان جهانی تجارت، اقدامات لازم را برای بهبود و توسعه بخش مالی اعمال نمایند. همچنین با توجه به تجارب کشورهای مذکور چنین استنباط می‌گردد که در فرایند مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت کشورهای متقاضی بایستی تا حد امکان از قبول تعهد در آزادسازی زیربخش‌های خدمات مالی اجتناب نمایند.

---

\* پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی [نویسنده مسئول]  
E-mail: [mrasti20@yahoo.com](mailto:mrasti20@yahoo.com)

## ۱ - مقدمه

شناسایی آثار آزادسازی تجاری در بخشهای مختلف اقتصادی بر عملکردهای آنها از اهمیت خاصی برای سیاستگذاران به منظور اتخاذ اولویتهای سیاستگذاری قرار دارد. این مهم از آنجا ناشی می‌شود که در فرایند مذاکرات تجاری، کشورها با توجه به زمینه‌های تاثیرپذیری متفاوت بخش‌های مختلف و از جمله بخش خدمات مالی از عملکردهای آن بخش‌ها، اقدام به مذاکره و اخذ و اعطای امتیازات تجاری می‌نمایند. در میان یازده بخش اصلی خدمات موجود در فهرست طبقه‌بندی بخشی سازمان جهانی تجارت، بخش خدمات مالی از نظر تعداد تعهدات رتبه دوم را در میان آن بخشها دارد. همچنین تا اواسط سال ۲۰۰۷ میلادی، ۱۲۱ کشور عضو این سازمان (۸۱ درصد اعضاء و شامل تمامی اعضای ملحق شده به این سازمان) حداقل یکی از تعهدات زیر بخش‌های خدمات مالی را پذیرفته‌اند.

بطور کلی هدف تجارت خدمات کاهش موانع تجاری بخش خدمات از طریق اجازه ورود بنگاههای خارجی در زیربخش‌های مختلف خدمات، و به منظور کمک به کارایی بیشتر این بخش است. در این خصوص هر چند که گاتس یا موافقتنامه عمومی تجارت خدمات<sup>۱</sup> حرکت در جهت آزادسازی تجاری در بخش خدمات را شروع کرد، اما دور جدید مذاکرات تجاری در مورد خدمات، با هدف مشخص کردن نیازها و منافع کشورهای در حال توسعه توسط سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۰ آغاز شد و در شکل وسیع‌تر آن در دور دوحه ادامه یافته است. در میان یازده بخش اصلی خدمات موجود در فهرست طبقه‌بندی بخشی سازمان جهانی تجارت، بخش خدمات مالی از نظر تعداد تعهدات رتبه دوم را در میان آن بخشها دارد. همچنین تا اواسط سال ۲۰۰۷ میلادی، ۱۲۱ کشور عضو این

<sup>۱</sup> - General Agreement on Trade in Services (GATS)

سازمان (۸۱ درصد اعضا و شامل تمامی اعضای ملحق شده به این سازمان) حداقل یکی از تعهدات زیر بخش‌های خدمات مالی را پذیرفته‌اند.

با توجه به اهمیت آزادسازی و توسعه تجارت خدمات مالی بر توسعه عملکردهای این بخش، و از آنجا که ایران در فرایند الحاق کامل به سازمان جهانی تجارت (WTO) قرار دارد، این مقاله تاثیرپذیری مثبت یا منفی توسعه مالی از آزادسازی تجارت خدمات مالی کشورهای ملحق شده به این سازمان را مورد سوال و بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس فرضیه اصلی این مقاله تاثیر مثبت آزادسازی تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی در کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت است. در واقع در صورت تایید تاثیر مثبت آزادسازی تجاری این بخش بر توسعه مالی این کشورها چنین استنباط می‌گردد که در نتیجه الحاق به سازمان جهانی تجارت، نه تنها نگرانی از تاثیر منفی و محدود شدن بخش مالی اقتصاد وجود ندارد بلکه اولویت‌های سیاستگذاری برای بهبود این بخش باید مبتنی بر آزادسازی تجاری این بخش (از جمله در چارچوب سازمان جهانی تجارت) قرار بگیرد. این در حالی است که در صورت اثبات تاثیرپذیری منفی توسعه مالی از آزادسازی تجارت خدمات مالی، سیاستگذاران قبل از اعمال سیاست‌های آزادسازی تجاری این بخش باید اقدامات لازم برای رقابت‌مندی بخش مالی را در دستور کار قرار دهند. بنابراین به منظور بررسی مطالب پیش گفته، ابتدا مروری بر ادبیات موضوع خواهیم داشت؛ پس از آن به ارائه الگوی مناسب و برآورد و تحلیل آن به منظور بررسی تاثیر آزادسازی تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی در کشورهای ملحق شده به این سازمان پرداخته می‌شود. در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی ارائه می‌گردد.

## ۲. ادبیات موضوع

از آنجا که موضوع تجارت خدمات در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، مطالعات صورت گرفته در مورد آزادسازی تجارت خدمات مالی نیز در آغاز راه قرار دارد و آن معدود مطالعات موجود نیز بیشتر مربوط به ارتباط میان تجارت خدمات مالی و رشد اقتصادی می‌باشد که در این میان می‌توان به دو مطالعه زیر اشاره کرد. ماتو، راتیندران و سابرمانیان (۲۰۰۱) به بررسی آثار آزادسازی تجاری در دو بخش ارتباطات و خدمات مالی

پرداختند. یافته‌های آنها هر چند که دلالت بر آثار مثبت آزادسازی تجاری بر دو بخش فوق در کشورهای مورد بررسی دارد، اما این اثر مثبت در بخش ارتباطات کمتر از بخش خدمات مالی است. همچنین مطالعه خوری و ساویدس (۲۰۰۶) دلالت بر این امر دارد که آثار آزادسازی تجاری در دو بخش ارتباطات و خدمات مالی بستگی به سطح توسعه یافتگی کشورها از نظر میزان درآمد سرانه (بالا یا پایین) دارد.

بطور کلی بنا به بررسی‌های صورت گرفته، هر چند که مطالعاتی در مورد رابطه میان تجارت خدمات مالی و توسعه مالی یافت نشده اما همواره ارتباط میان تجارت و رشد و توسعه اقتصادی در سطح کلان یکی از موضوعات بسیار قابل بحث در ادبیات توسعه و رشد اقتصادی بوده که هنوز این ارتباط حل نشده و به صورت یکی از مباحث چالش برانگیز باقی مانده است و مطالعات نظری رشد در بهترین وضعیت دلالت بر یک ارتباط مبهم و پیچیده میان محدودیت‌های تجاری و رشد اقتصادی دارد. ادبیات رشد درونزا به اندازه کافی در معرفی الگوهای متفاوتی که محدودیت‌های تجاری منجر به افزایش یا کاهش رشد اقتصادی می‌گردد، وسیع و متنوع می‌باشد (رومر ۱۹۹۰، گراسمن و هلپمن ۱۹۹۰، ریورا- باتیز و رومر ۱۹۹۱، ماتسویاما ۱۹۹۲). لازم به ذکر است که حتی با وجود پذیرش این امر که همگرایی اقتصادی و افزایش تجارت موجب افزایش رشد اقتصادی جهان می‌گردد، همواره این ارتباط در کشورهای مختلف به علت تفاوت‌ها در تکنولوژی و فراوانی‌های عوامل تولید به شکل یکسانی نبوده و در واقع در برخی کشورها اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است (گراسمن و هلپمن ۱۹۹۱، ریورا- باتیز، لوکاس ۱۹۸۸ و ایکسی ۱۹۹۳ و یوانگ ۱۹۹۱).

لازم به ذکر است نه تنها موضوع ارتباط میان تجارت خدمات مالی و توسعه مالی بلکه مطالعاتی که موضوع آثار تجارت بر توسعه مالی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد بسیار بدیع و معدود بوده و تنها در سال‌های اخیر (بطور عمده از سال ۲۰۰۴ به بعد) مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. با توجه به این امر که تجارت خدمات مالی از اجزاء کل تجارت می‌باشد و همچنین مد نظر قرار دادن متغیر کل تجارت نیز به عنوان یکی از عوامل

تعیین کننده توسعه مالی، در ادامه مهمترین مطالعات صورت گرفته در خصوص آثار تجارت بر توسعه مالی مرور می‌شود.

مطالعه دو و لوچنکو<sup>1</sup> (۲۰۰۴) از اولین و مهمترین مطالعات در این موضوع بوده است. آنها اثر تجارت بر توسعه مالی را مورد تحلیل قرار دادند و در این ارتباط یک الگوی نظری با دو بخش را ارائه کردند که یکی از آن بخشها مالی محور بود. در این الگو اندازه سیستم مالی یعنی ارزش وام گرفتن و وام دادن در اقتصاد بطور طبیعی تابعی از کل محصول در بخش مالی محور است؛ به علاوه کیفیت سیستم مالی تابعی از اندازه آن است. در این چارچوب بخش مالی بزرگتر، وضعیت آسانتری را برای کارآفرینان جهت پوشش تامین نیازهای مالی آنها به منابع خارجی، فراهم می‌آورد. علت این امر این است که وقتی کارآفرینان شروع به طرحهای مالی محور نموده و با سیستم مالی کشور سر و کار پیدا می‌کنند، باعث افزایش نقدینگی می‌شوند. در این میان سیستم مالی عمیقتر موجب کاهش ریسک طرحها از طریق کاهش تعداد موارد و وضعیتهای احتمالی که کمبود نقدینگی رخ می‌دهد، می‌گردد. بدین ترتیب در این الگو کارآفرینانی که وارد بخش مالی محور می‌گردند، موجب پیدایش اثر جانبی مثبت برای سایر کارآفرینان می‌شوند.

در واقع الگوی آنها بر این اساس قرار گرفته است که سیستم مالی هر کشور نتیجه و محصول درونزای تقاضای کارآفرینان برای تامین مالی خارجی است. در این جهان وقتی که یک کشور فقیر و یک کشور غنی به باز کردن تجارت خود می‌پردازند کشور فقیرتر شروع به واردات کالای وابسته مالی در مقابل تولید آن در داخل می‌نماید و این به نوبه خود دلالت بر این امر دارد که تقاضای تامین مالی خارجی کاهش می‌یابد و سیستم مالی داخلی محدود می‌شود. این اثر ممکن است که زیانهایی را ناشی از تجارت به کشور فقیر ایجاد نماید اما آسیب دیدن سیستم مالی ممکن است از این نظر دارای اهمیت باشد که منجر به کاهش رشد بلند مدت اقتصادی گردد.

در این الگو با توجه به اینکه هر دو اندازه و کیفیت سیستم مالی کشور نتایج تعادلی عرضه و تقاضای داخلی برای تامین مالی خارجی هستند، به وسیله تجارت نیز مورد تاثیر

---

<sup>1</sup> Do and Levchenko

قرار می‌گیرند. بنابراین انتظار بر این است که اثر تجارت در میان کشورها متفاوت باشد. زمانی که تجارت تخصص‌گرایی را به سمت کالاهای وابسته مالی سوق می‌دهد این امر منجر به رشد سیستم مالی می‌شود. در مقابل وقتی که تجارت یک کشور را به سمتی هدایت می‌کند که کالاهای وابسته مالی را به جای تولید در داخل وارد کند، سیستم مالی پس از باز شدن تجارت تخریب خواهد شد.

همچنین دو و لوچنکو به طرح این سوال اساسی پرداختند که چگونه متغیری که نماینده و جانشین مزیت نسبی مالی باشد را انتخاب نمایند. در الگوی نظری که توسط آنها معرفی شد مزیت نسبی که نقش کلیدی در این الگو دارد از تفاوت در ثروت بین کشورها به دست می‌آید و بر این اساس در الگوی آنها متغیر درآمد سرانه بدین منظور در نظر گرفته شده است به طوری که کشورهای ثروتمندتر در کالای مالی محور تخصص می‌یابند. با این وجود در عمل کیفیت نهادها - ضمانت اجرایی قراردادها، حقوق مالکیت، حمایت از سرمایه‌گذاران و غیره - نیز به عنوان عوامل مهمی که بر توسعه مالی موثر هستند، نشان داده شد. بنابراین مطابق با نظر آنها در این رابطه شاید کیفیت ابعاد نهادها مشخصه خوبی باشد و از کشورهای با ضمانت اجرایی قراردادها و حقوق مالکیت بهتر انتظار می‌رود که صادرات آنها بیشتر کالاهای وابسته به بخش مالی باشد. بنابراین در الگوی آنها علاوه بر تجارت، درآمد سرانه و کیفیت نهادها نیز به عنوان دو منبع مهم برای تعیین درجه مزیت نسبی مالی استفاده شده است که نهایتاً نتایج حاصل از تحقیق آنها دلالت بر اثر مثبت تجارت بر ارتقاء رشد سیستم مالی در کشورهای ثروتمندتر و عکس آن در کشورهای فقیرتر دارد.

اکنون پس از بررسی مطالعه دو و لوچنکو شایسته است تا مروری بر سایر مطالعات موجود داشته باشیم. یافته‌های لا و دمتریادس<sup>1</sup> (۲۰۰۴) نشان‌دهنده این امر است که توسعه مالی در هر دو حالت باز شدن تجاری و همچنین جریان ورود سرمایه بهبود می‌یابد. ایتو<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> Law and Demetriades  
<sup>2</sup> Ito

(۲۰۰۵) به بررسی آثار آزادسازی مالی بر سطح توسعه مالی در کشورهای آسیایی پرداخت و نتایج مطالعه وی بر اثر مثبت آزادسازی مالی بر سطح توسعه مالی دلالت دارد. نتایج مطالعه هوانگ و تمپل<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) با استفاده از روش مقطعی دلالت بر تاثیر مثبت افزایش تجارت بر توسعه مالی بانک محور در کشورهای با درآمد بیشتر و نه در کشورهای با درآمد کمتر دارد. همچنین نتایج آنها با استفاده از روش پانل دیتا دلالت بر اثر مثبت قوی افزایش تجارت بر سطح توسعه مالی در کل نمونه آماری و کشورهای با درآمد کمتر دارد اما برای کشورهای با درآمد بالا نتایج پانل دیتا ضعیفتر از داده‌های مقطعی کشورها است. همچنین بر اساس یافته‌های بالتاجی، دمتریادس و لا<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) باز شدن تجاری و مالی به طور همزمان تاثیر بسیار مثبتی بر توسعه مالی کشورهای به طور نسبی با اقتصاد بسته دارد و این امر به این معنی است که باز شدن مالی و تجاری شرط لازم برای توسعه مالی است. مطابق با نظرات آنها این نتایج می‌تواند خبر خوبی برای سیاستگذاران باشد که با محدودیتها و ملاحظات سیاستگذاری مختلف - که مانع باز کردن همزمان هر دو حسابهای تجاری و سرمایه است - مواجه هستند.

### ۳- تصریح مدل و نتایج تجربی

در این مقاله با استفاده از رویکرد اقتصادسنجی پانل دیتای پویا و روش تخمین زن گشتاور تعمیم یافته (GMM) و آمارهای کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت، به اجرا و برآورد الگوی زیر پرداخته می‌شود. این الگو الهام گرفته و ترکیبی از الگوهای پیش گفته دو و لوچنکو (۲۰۰۴) و ماتو (۲۰۰۱) است که یک متغیر مجازی برای تعیین تاثیر الحاق به سازمان جهانی تجارت نیز به آن افزوده شده است.

$$Finance_i = \beta_1 + \beta_2 FO_i + \beta_3 GDP_i + \beta_4 TO_i + \beta_5 Dum_i + \varepsilon_i$$

به طوری که Finance نسبت اعتبارات بانکی تخصیص یافته به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر شاخص توسعه مالی و FO متغیر درجه باز بودن تجارت

<sup>1</sup> Huang and Temple  
<sup>2</sup> Balatagi, Demetriades and Law

خدمات مالی به عنوان شاخص آزادسازی و توسعه تجارت خدمات مالی است. همچنین TO متغیر درجه باز بودن تجاری به عنوان شاخص توسعه تجارت، GDP تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه به قیمت ثابت و Dum متغیر مجازی الحاق به WTO است. لازم به ذکر است که با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص جداول تعهدات بخش خدمات کشورهای ملحق شده به WTO و از آنجا که کلیه کشورهای مزبور ملزم به بازگشایی بخش خدمات مالی خود شده‌اند، برای برآورد تاثیر خاص الحاق به WTO نیز متغیر مجازی مربوطه منظور شده است.

مقدار برآوردی ضریب  $\beta_2$  میزان تاثیرپذیری توسعه مالی از آزادسازی تجارت خدمات مالی را نشان می‌دهد. بدین معنی که در صورت اثر مثبت آزادسازی تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی، بایستی در فرایند مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت از قبول تعهد آزادسازی تجارت خدمات مالی در چارچوب این سازمان استقبال نمود. در مقابل در صورت وجود اثر منفی آزادسازی تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی، پذیرش تعهد آزادسازی در این بخش بایستی بسیار با احتیاط صورت پذیرد.

الگوی ذکر شده به وسیله رویکرد اقتصادسنجی پانل دیتای پویا و روش تخمین زن گشتاور تعمیم یافته (GMM) در چارچوب آن و برای دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۸۵ و در نمونه آماری کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت اجرا می‌شود. کشورهای ملحق شده عبارتند از: اکوادور، بلغارستان، مغولستان، پاناما، قرقیزستان، لتونی، استونی، اردن، گرجستان، آلبانی، عمان، کرواسی، لیتوانی، مولداوی، چین، تایوان، ارمنستان، مقدونیه، نپال، کامبوج، عربستان، ویتنام، تونگو، اکراین و کاپ‌ورد. لازم به ذکر است که داده‌های لازم برای کشورهای نامبرده از WDI ۲۰۰۸ استخراج شده که به دلیل محدودیت‌های آماری کشور تایوان حذف گردیده است.

نتایج حاصل از تخمین الگوی معرفی شده با استفاده از روش تخمین زن گشتاور تعمیم یافته (GMM) در جدول (۱) آمده است. با توجه به این جدول ملاحظه می‌گردد که متغیر شاخص آزادسازی تجارت خدمات مالی FO دارای ضریب منفی و معنی‌دار حدود یک است که دلالت بر تاثیر منفی آزادسازی و توسعه تجارت خدمات مالی بر رشد و



توسعه بخش مالی کشورهای ملحق شده به WTO دارد. در واقع مطابق با یافته‌های این تحقیق یک درصد افزایش در توسعه تجارت خدمات مالی موجب یک درصد کاهش توسعه مالی این کشورها شده است. همچنین آثار افزایش متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه GDP و یک وقفه با تاخیر شاخص توسعه مالی Finance(-1) بر توسعه مالی (به ترتیب با برخورداری از ضرایب ۰,۰۵ و ۰,۷۱) مثبت و معنی‌دار می‌باشد که دلالت بر آثار مثبت متغیرهای نامبرده بر توسعه مالی کشورهای ملحق شده به WTO دارند. این در حالی است که ضریب متغیرهای درجه باز بودن کل تجاری یا شاخص توسعه کل تجارت TO و متغیر مجازی الحاق به WTO (DUM) به رغم مثبت بودن، غیرمعنی‌دار است.

جدول ۱: نتایج برآورد الگو با استفاده از روش تخمین زن گشتاور تعمیم یافته (GMM)

Dependent Variable: LOG(FINANCE)				
Method: Panel Generalized Method of Moments				
Sample: 1987 2006				
Periods included: 20				
Cross-sections included: 22				
Total panel (unbalanced) observations: 234				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LOG(FINANCE(-1))	0.712714	0.037263	19.12675	0.0000
LOG(FO)	-0.996576	0.407715	-2.444295	0.0153
LOG(GDP)	0.051390	0.016514	3.111929	0.0021
LOG(TO)	0.044770	0.030876	1.450000	0.1486
DUM	0.002714	0.006036	0.449682	0.6534
Effects Specification				
Cross-section fixed (orthogonal deviations)				
Period fixed (dummy variables)				
S.D. dependent var	0.055372	Mean dependent var	-0.028960	
Sum squared resid	0.339544	S.E. of regression	0.040306	
Instrument rank	211.000000	J-statistic	171.0670	

ماخذ: یافته‌های مقاله

۴- جمع‌بندی

در مجموع یافته‌های این مقاله دلالت بر تاثیر منفی افزایش تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت دارد. در نتیجه نه تنها آزادسازی و توسعه تجارت خدمات مالی در این کشورها موجب افزایش سطح توسعه مالی آن‌ها نشده بلکه اعمال این قبیل سیاست‌ها، موجب تاثیر منفی و محدود شدن بیشتر بخش مالی کشورهای ملحق شده به WTO شده است. بنابراین با توجه به تجربه کشورهای ملحق شده به این سازمان، سیاست آزادسازی و توسعه تجارت خدمات مالی به منظور افزایش کارایی و توانایی رقابت پذیری این بخش مهم اقتصادی توصیه نمی‌گردد و شایسته است در فرصت زمانی باقی مانده کشورهایی که فرایند الحاق کامل به سازمان جهانی تجارت را طی می‌کنند، اقدامات لازم را برای بهبود و توسعه بخش مالی و رقابت‌مندی این بخش، به منظور آسیب پذیری کمتر این بخش بر اثر الحاق در دستور کار و در اولویتهای اقتصادی، مالی و تجاری خود قرار دهند. اهمیت این امر با توجه به تجربه کشورهای ملحق شده که تمامی آنها ملزم به بازگشایی بخش خدمات مالی خود شده‌اند، بیشتر مشخص می‌شود. علاوه بر این با توجه به تاثیرپذیری منفی بخش مالی کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت از آزادسازی تجارت خدمات مالی این بخش، بایستی در مذاکرات الحاق به WTO تا حد امکان از قبول تعهد در بازگشایی زیربخش‌های خدمات مالی اجتناب نمود.

#### فهرست منابع

- Baltagi, Badi H.; Law, S. H. and Demetriades, P. (2007). "Openness, institutions and financial development" University of Leicester, working paper no.05/08.
- Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R.,(2000) "A new database on financial development and structure". Policy Research Paper No. 2147. Washington, D.C.: World Bank.
- Do, Quy-Toan and Andrei A. Levchenko (2004), "Trade and Financial Development "the world bank.
- Grossman, G.M., Helpman, E., (1990), "Comparative advantage and long-run growth", American Economic Review 80, 796-815.

- Huang Y. and Temple, J. (2005) “Does External Trade Promote Financial Development?”, CEPR Discussion Paper No. 5150 (July).
- Hiro Ito(2006), "Financial development and financial liberalization in Asia: Thresholds, institutions and the sequence of liberalization", North American Journal of Economics and Finance, 17(3): 303-327.
- Keesing, D. (1974), “Income Distribution from Outward-Looking Policies” The Pakistan Development Review 13:188-204.
- Khoury A.C. El and A. Savvides; (2006) “Openness in services trade and economic growth”; Economics Letters 92, 277– 83.
- Law, S. H. and Demetriades, P. (2004) “Capital Inflows, Institutions and Financial Development in Developing Economies,” University of Leicester, working paper no. 05/08.
- Matto, A. (2000), “Financial Services and the WTO: “Liberalization Commitments of the Developing and Transition Economies”, The World Economy, pp.351-386.
- Mattoo, A., Rathindran, R., Subramanian, A.; (2001); “Measuring services trade liberalization and its impact on economic growth: an illustration”; the World Bank Working Paper 2655.
- Matsuyama, K., (1992), “Agricultural productivity, comparative advantage, and economic growth”, Journal of Economic Theory 58, 317–334.
- Rivera-Batiz, L.A., Romer, P.M., (1991a), “Economic integration and endogenous growth”, Quarterly Journal of Economics 106, 531– 555.
- Rivera-Batiz, L.A., Romer, P.M., (1991b) “International trade with endogenous technological change” European Economic Review 35, 971– 1004.
- Romer, P.M., (1990), “Endogenous technical change” Journal of Political Economy 98, S71–S102.
- UNCTAD secretariat (2007) "TRADE AND DEVELOPMENT IMPLICATIONS OF FINANCIAL SERVICES", Trade and

*Archive of SID* فصلنامه علمی پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی شماره پنجم دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه

Development Board, Commission on Trade in Goods and Services, and Commodities, Geneva, 20–21 February.

- World Development Indicators 2008, the World Bank.
- Yanikkaya, Halit (2003) “Trade openness and economic growth: a cross-country empirical investigation”, *Journal of Development Economics* 72:57– 89.